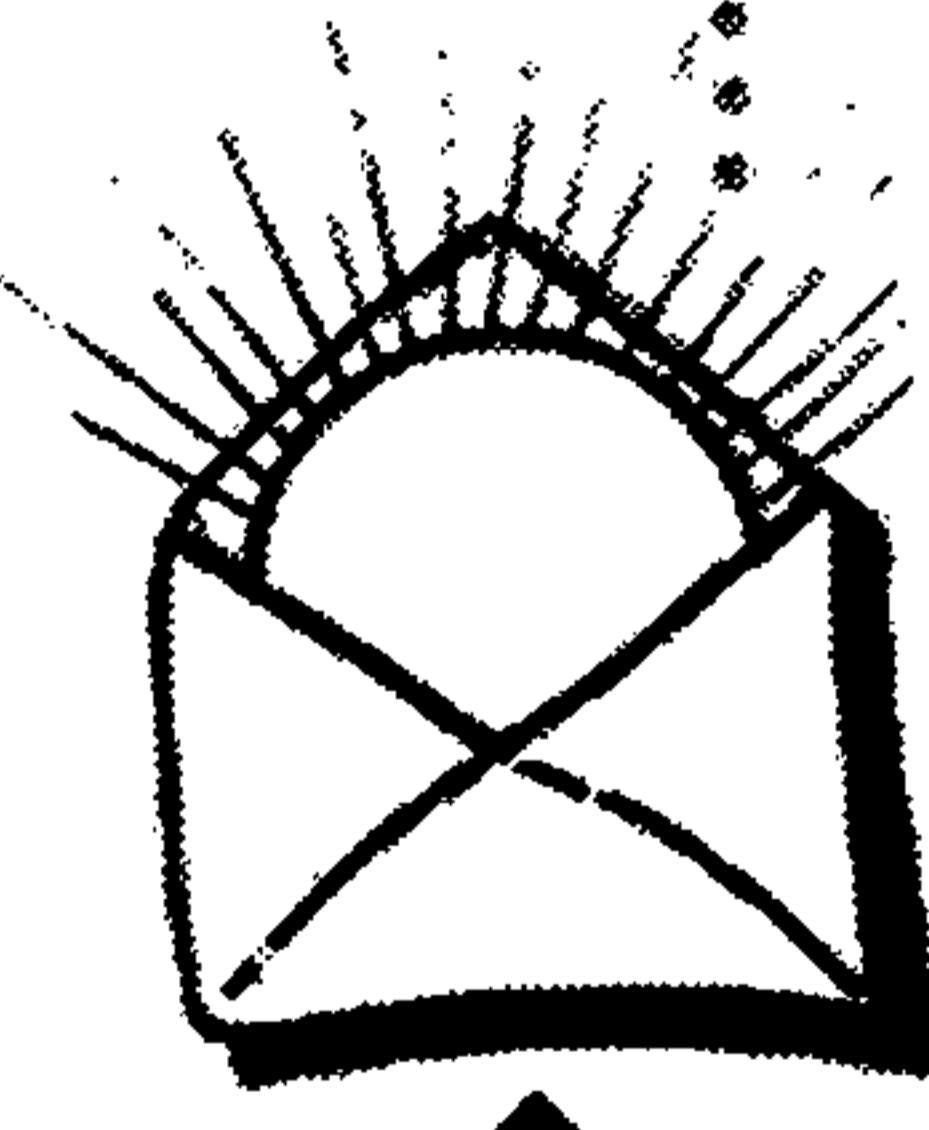


شیعیان و حکومت

(در نقد و بررسی روایات خشونت و کشتار امام زمان (ع))

آیت اللہ سید صادق شیرازی

اشاره^۵ این مقاله بخشی از کتاب شمیم رحمت تأثیف آیت اللہ سید صادق شیرازی است. ایشان برخی از روایات کشتار دولت امام زمان (ع) را طرح و از نظر سند و دلالت قابل خدشه می‌داند و در برابر آن‌ها احادیث صحیح و معتبری که روش حکومتی حضرت مهدی (ع) را بر پایه رفق و مدار می‌دانند، یاد آور می‌شود. از آن جا که این مقاله مورد نقد برخی محققان واقع شده است، مناسب دیده شده که پیش از آن، اصل از آن آورده شود. مقاله آورده شود. قضایت درباره این مقاله و نقد و بررسی آن را به عهده خوانندگان بصیر و می‌گذاریم.



روش امام مهدی(عج) در تشکیل حکومت

متأسفانه، ذهنیت رایج مسلمانان آن است که امام مهدی(عج) با چهره‌ای خشن ظهور می‌کند و با تکیه بر شمشیر و قتل و کشتار مخالفان خود، موفق به برپایی حکومت و کسب قدرت می‌شود. این ذهنیت در روایاتی ریشه دارد که در این باره موجود است و در کتاب‌ها و بر روی منبرها برای مردم بازگو می‌گردد. برپایه پاره‌ای از این روایات، امام مهدی(عج) به هنگام ظهور، چنان با خشونت و درستی با مردم رفتار می‌کند که بیشتر آنان آرزو می‌کنند که کاش هرگز او را نبینند، عده زیادی از آنان نیز در نسب او به تردید می‌افتد و او را از آل محمد(ع) نمی‌دانند.

روايات دروغین و محمدبن علی الکوفی

۴۸۵

تعداد این روایات به بیش از پنجاه مورد می‌رسد. از این تعداد، سند نزدیک به سی مورد از آن‌ها به شخصی به نام محمدبن علی الکوفی می‌رسد که فردی بدنام و دروغ‌گو است و تمام علمای رجال بر بی اعتباری روایات او حکم کرده‌اند. این شخص، در زمان امام حسن عسکری (ع) می‌زیسته و از معاصران جناب فضل بن شاذان بوده است.

فضل بن شاذان از اعاظم روات و بزرگان شیعه است که هیچ شکی در جلالت و قدر و منزلت وی وجود ندارد، تا جایی که امام عسکری (ع) در مدح و توصیف او می‌فرماید:

إِنَّ أَغْبَطَ أَهْلَ الْخَرَاسَانَ لِمَكَانِ الْفَضْلِ.

به خاطر آن که فضل، خراسانی است، من آرزو داشتم که از اهل خراسان می‌بودم.

حال، فضل بن شاذان در وصف محمدبن علی کوفی می‌گوید: «رجلٌ كذّابٌ؛ مردی بسیار دروغ‌گوست».

و در جایی دیگر اظهار داشته است:

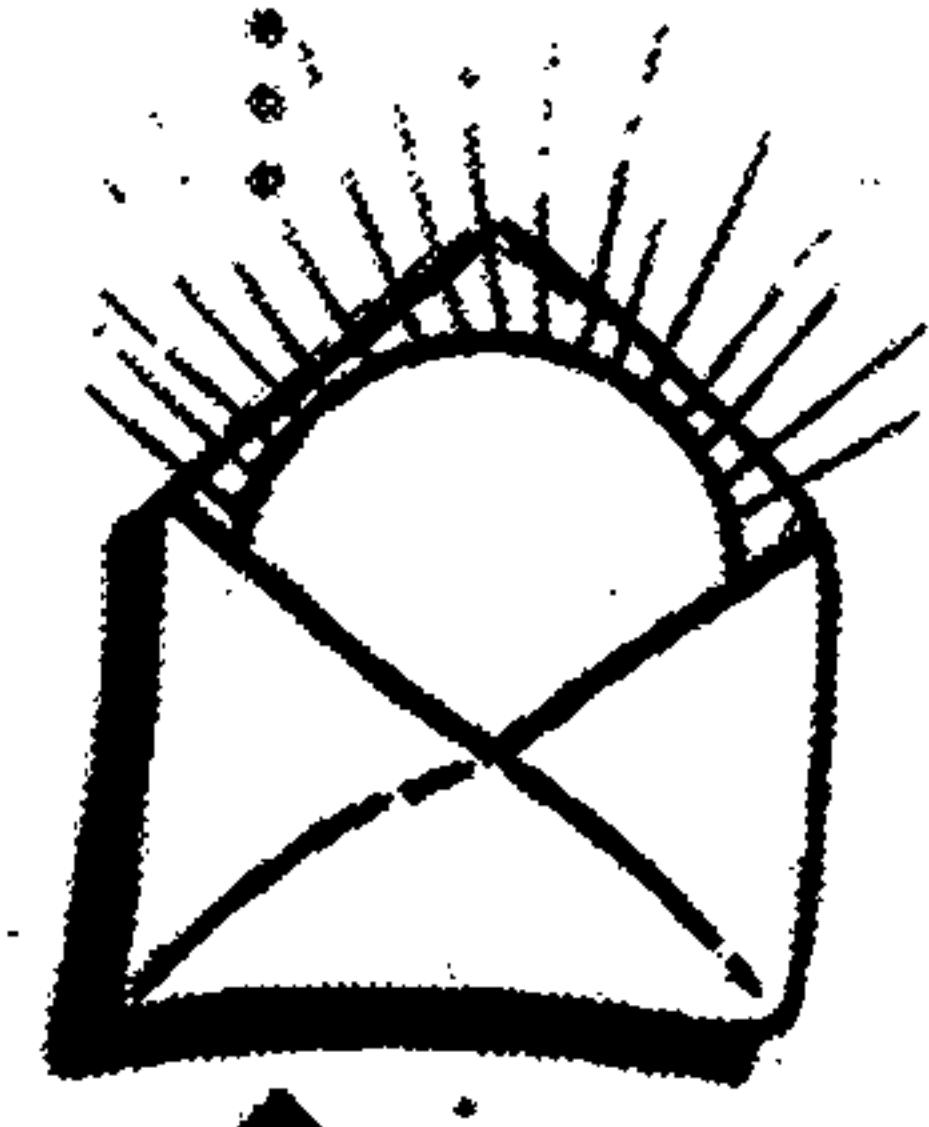
«كَدْتُ أَقْنَتَ عَلَيْهِ، نَزَدِيكَ بُودَدْرَ قَنُوتَ نَمَازَ لَعْنَ وَنَفْرِينَشَ كَنْمَ».

اکنون به چند نمونه از این دست روایات اشاره می‌کنیم:
روایت نخست: روایتی است که بیش از یک صفحه از بحار الانوار را به خود اختصاص داده است، در این روایت آمده است:

حضرت مهدی (ع) پس از ظهور، عده‌ای از مسلمانان را مورد تعقیب قرار می‌دهد، آنان نیز فرار کرده به نصارای روم پناه می‌برند. نصارا به آنان می‌گویند اگر می‌خواهید به شما پناه دهیم، باید صلیب بر گردن بیاویزید و مسیحی شوید. این گروه نیز از ترس امام زمان مسیحی می‌شوند. حضرت این مسلمان‌های فراری را از چنگ نصرانی‌ها بیرون می‌آورد، مردان آن‌ها را می‌کشد و شکم زنان باردار آن‌ها را پاره می‌کند: «فِيَقْتَلُ الرِّجَالُ وَ يَبْقَى بَطْوُنُ الْحِبَالِيِّ».

باید دانست که امام زمان (ع)، دارای مقام امامت است و بهتر از هر کسی احکام اسلام را می‌داند.

در دین اسلام اگر زن بارداری مرتكب جنایتی گردد و حدّ بر او واجب شود، به عنوان مثال اگر زنا دهد و چهار شاهد عادل بر زنا دادن او شهادت دهند و بنا شد که او را حدّ بزنند، مدامی که این زن باردار است جاری کردن حد بر او حرام است؛ باید صیر کنند تا فارغ شود و بعد حدّ را بر او جاری سازند. با این همه، آیا حضرت ولی عصر (ع) شکم زن باردار را پاره می‌کنند؟! آیا این روایت جعل و دروغ نیست؟



روایت دوم: در بخار الانوار^۱، از کتاب غیبۃ نعمانی به این سند ذکر شده:

عن علی بن الحسین(ع) عن محمد العطار عن محمدبن الحسن الرازی
(مجهول الهویه) عن محمدبن علی الکوفی عن البزنطی عن ابن بکیر عن
اییه عن زُراره عن ابی جعفر(ع): «أیسیر (الحجۃ) بسیرة النبی (ص)؟» فقال:
هیهات أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِاللَّيْنَ وَالْغَائِبِ يُسِيرُ بِالْقَتْلِ.

آیا امام مهدی(عج) بر طبق روشن رسول خدا(ص) عمل خواهد کرد؟ فرمود: هرگز، رسول
خدا(ص) باز مردمی با مشت رفتار کرد، در صورتی که امام مهدی(عج) از روشن قتل و کشtar
استفاده خواهد کرد.

این روایت علاوه بر آن که ضعف سند دارد با روایات صحیحهای که درباره شباخت رفتار
امام عصر(عج) با رفتار پیامبر اکرم(ص) وجود دارد و بعداً ذکر خواهد شد در تعارض است.

روایت سوم:^۲ باز با همان سند قبلی است: «عن محمدبن علی الکوفی عن البزنطی عن العلاء». در این سند مغیرة بن سعید نیز آمده که حضرت صادق(ع) در مورد او فرموده است:

لَعْنَ اللَّهِ الْمُغِيْرَةَ بْنَ سَعِيدَ أَنَّهُ دَسَّ فِي أَحَادِيثِ أَبِي كَثِيرٍ.

خدا لعنت کند مغیرة بن سعید را همانا که او در روایات پدرم بسیار دست می بُرد (آنها را
تغییر می داد).

در این روایت همانند روایات قبلی، باز مسئله کشtar مطرح شده است. و این سخن را به امام
نسبت می دهند که: سمعت أبا جعفر(ع) یقول:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْغَائِبُ إِذَا خَرَجَ لَاْحَبَّ أَكْثَرُهُمْ أَنْ لَا يَرَوْهُ مَمَّا يَقْتَلُ
النَّاسُ.

اگر مردم می دانستند مهدی(عج) پس از ظهور چه می کند بیشتر آنها دوست نداشتند او
راملاقات کشند به دلیل کشtar مردم توسط او.

چنین سخنی از طرف یک آدم دروغ گو به امام معصوم نسبت داده شده و به هیچ وجه قابل
پذیرش نیست؛ چرا که انسان عاقل اگر سخن انسان دروغ گویی را مبنی بر شراب خواری فلان
مؤمن بشنود باور نخواهد کرد و به خود اجازه نقل این سخن را نخواهد داد چه بر سردار امام
معصوم. در دنباله این روایت چنین آمده است که:

يقول كثير من الناس ليس هذا من آل النبي لو كان لرحم.

آن قدر کشtar می کند که مردم می گویند، او از آل پیامبر(ص) نیست؛ چرا که اگر از آل
پیامبر بود رحیم و مهربان بود و کشtar به راه نمی انداخت.

این سخن در مورد کیست؟! آیا در مورد حجاج بن یوسف ثقیل نیز چنین سخنی گفته می‌شود؟!

روایت چهارم: به دنبال همین روایت شماره ۱۱۴؛ عن محمدبن علی الکوفی عن البزنطی عن عاصم بن حمید الحناف عن أبي بصیر قال أبو جعفر(ع)؛
«لَيْسَ شَأْنَهُ إِلَّا بِالسَّيْفِ لَا يَسْتَبِيبُ أَحَدًا؛ سَرُّ وَ كَارِمَهُدَى جَزْ بَاشْمَشِيرَ نِيَسْتَ وَ تَوْبَةَ كَسِيْرَ رَا نَمِيْرَد».

آیا این شبیه سیره رسول الله(ص) است؟
نکته مهم این است که محمد بن علی کتاب روایات خود را نوعاً به افراد ثقة نسبت می‌داده تا روایتش صحیح جلوه کند؛ همان طور که در اینجا نام حناف در سلسله سند آمده که او از ثقات است.
روایت پنجم: این بار از ابن محبوب (از اصحاب اجماع) عن البطائی عن أبي بصیر عن أبي عبدالله(ع)، می‌گوید: از امام پرسیدم: مهدی کی ظهرور می‌کند؟ فقال:

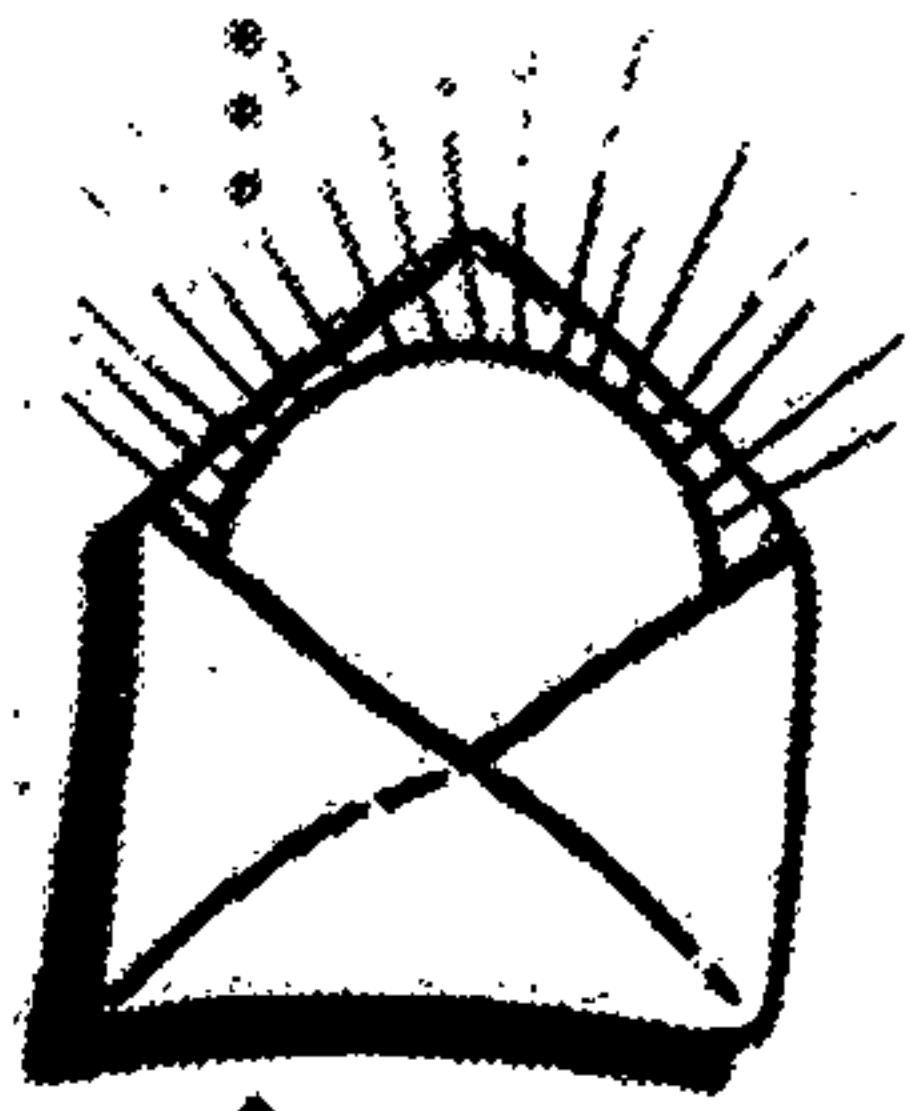
ما تستعجلون بخروج الغائب فوالله ما هو إلَّا سيف والموت تحت ظلَّ السيف.^۳
چرا بایی ظهور غایب (امام زمان) عجله می‌کنید، به خدا قسم او فقط باشمیش سر و کار دارد و قتل و کشtar.

روایت ششم: از علی بن ابی حمزة بطائی شیخ الواقفیه که قائل به خاتمت امامت به موسی بن جعفر(ع) است؛ او می‌گوید ایشان «امام موسی بن جعفر(ع)» امام غایب است و اصلاً قائل به امام دوازدهم نیست. در روایتی از امام رضا(ع) نقل شده است که پس از دفن این شخص فرمود: نکیر و منکر عمودی از آتش بر او زدند که: «امتلاً قبره ناراً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» الان حدود هزار و دویست سال است که در قبرش می‌سوزد. به هر حال روایت این است:
عن ابن ابی بطائی عن ابی بصیر عن ابی عبدالله(ع) قال:

إِذَا خَرَجَ الْغَائِبُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَ قَرِيشَ إِلَّا سَيْفٌ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا سَيْفٌ.^۴
چون آن غایب بیاید، میان او و قریش شمشیر حاکم است و بس و از قریش غیر از شمشیر چیزی دریافت نمی‌کند.

این‌ها تنها چند نمونه از روایاتی است که در این زمینه وارد شده است.
صرف نظر از محمدبن علی کوفی، عده‌ای از راویان دیگر این روایات نیز به هیچ وجه مورد اعتبار نبوده و روایتشان قابل پذیرش نیست.

گذشته از اشکالات سندی، این دسته از روایات، از جهت دلالت نیز ناتمامند و قابل پذیرش نمی‌باشند؛ زیرا مفاد بسیاری از آن‌ها با ضروریات مذهب و شریعت در تعارض است و به هیچ



عنوان نمی‌توان آن‌ها را توجیه کرد.

اصولاً امام مهدی (عج) می‌آید که عدالت را بیاورد و بساط جور و جفا و ستم را برچیند. بنابراین، امکان ندارد که بخواهد از راه ظلم به عدل برسد و یا با ایجاد بدعت، سنت جدش حضرت محمد (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) را زنده کند. سنت رسول خدا (ص) آن بود که اجازه نمی‌داد هیچ زن بارداری را حد بزنند و یا قصاصش نمایند، ولی بر اساس آن چه محمدين علی کوفی نقل کرده است، امام مهدی (عج) شکم زنان بارداری را که از ترس و برای حفظ جان خود مسیحی شده‌اند پاره می‌کند!!

روايات صحیح

دلیل دیگر ب اعتباری این گونه روایات، احادیث صحیح و معتبری است که بر مفهوم مقابل آن‌ها دلالت دارد و صراحتاً گویای این مطلبند که روش حکومتی حضرت ولی عصر (عج)، همانند همان روش حکومتی رسول خدا (ص) و امیرمؤمنان (ع) است. به چند نمونه از این روایات توجه فرمایید:

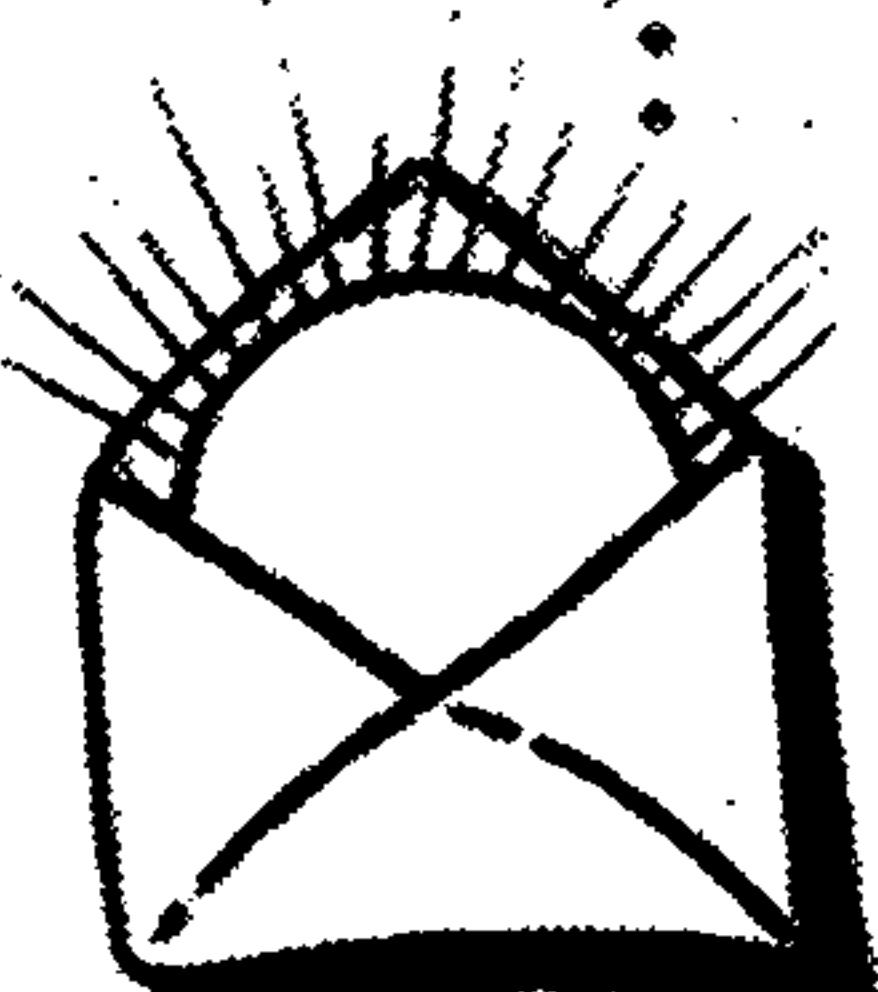
۱. روایت نخست:

در بحار الانوار روایت موثق و حسن‌های از کتاب غيبة نعمانی ذکر شده است:

عن ابن عقدة عن علی بن الحسن (ابن فضّال) عن أبيه عن رفاعة عن عبدالله بن عطاء قال: سئلت أبا جعفر الباقر (ع): «فقلت إذا قام الحجّة بأى سيرة يسير في الناس؟ فقال (ع) يهدم ما قبله كما صنع رسول الله و يستأنف الإسلام جديداً.^۵

راوی از امام باقر (ع) سوال می‌کند که حضرت حجت (عج) پس از ظهور، چه سیره و روشی در حکومت خواهد داشت؟ امام پاسخ می‌دهد همان طور که رسول خدا (ص) پس از بعثت تمام آن چیزهایی را که پیش از ایشان به عنوان دین مطرح بود، مثل یهودیت، نصرانیت و مجوسيت، همه را ب اعتبار اعلام کرد، مهدی (عج) نیز پس از ظهور آن چه که به نام اسلام بر دنیا حاکم است، اماً با اساس اسلام مخالف است، از میان خواهد بردو اسلام واقعی را دوباره پرپا خواهد کرد.

پیامبر اکرم (ص) به فرموده قرآن^۶ با نرمی و عدم خشونت باورها و عقاید پیش از خود را ب اعتبار کرد. این سیره پیامبر با همه مردم بود و حتی با کافران هم این گونه رفتار می‌کرد و تنها اختصاص به مسلمان‌ها نداشت. امام زمان (عج) نیز درباره کافران هم همان سیره و همان نرمی و لطفت را به خرج خواهد داد، که سیره رسول الله بود، مسلمانان که جای خود دارند.



عن ابن عباس عن النبي (ص) قال: «التابع منهم [من أولاد الحسين (ع)] من أهل بيتي ومهدى أمّتى، أشبه الناس بي فى شمائله وأقواله وأفعاله.^۷

شاهد مالفظ «أفعاله» است، يعني مهدى (عج) علاوه بر این که شمائل واقوالشان شبیه رسول خداست، کارهایش نیز شبیه رسول خداست.

۳. روایت سوم:

در بحار الانوار^۸ حدود یک صفحه از سخنان شیخ طبرسی^۹ در اعلام الوری به عنوان تذییل این روایت آمده است که قسمتی از آن چنین است:

اگر درباره چگونگی حکومت حضرت ولی عصر(عج) سؤال شود که چگونه است؟ آیا باشدت و عنف، خواهد بود؟ باید گفت: «فإن كان ورد بذل خير فهو غير مقطوع به.» هرگز حکومت آن حضرت باشدت و عنف نخواهد بود و حتی اگر روایتی در این مورد [اعمال خشونت در حکومت حضرت] پیدا شد، صحیح نیست، و روایت صحیحی وجود ندارد که آن حضرت باشدت و عنف رفتار خواهد کرد.

طبرسی از حدیث شناسان معروف و خبره فن بوده است، تمام روایاتی که در این باب وارد شده را با این جمله «إن كان...» زیر سؤال برده و می‌گوید اگر روایتی در این زمینه [اعمال خشونت در حکومت حضرت] پیدا شود، نه مدلولش معتبر است و نه حاجیت دارد.

۴. روایت چهارم:

در بحار الانوار^{۱۰}، روایتی از کتاب کافی با این عبارت نقل شده است:

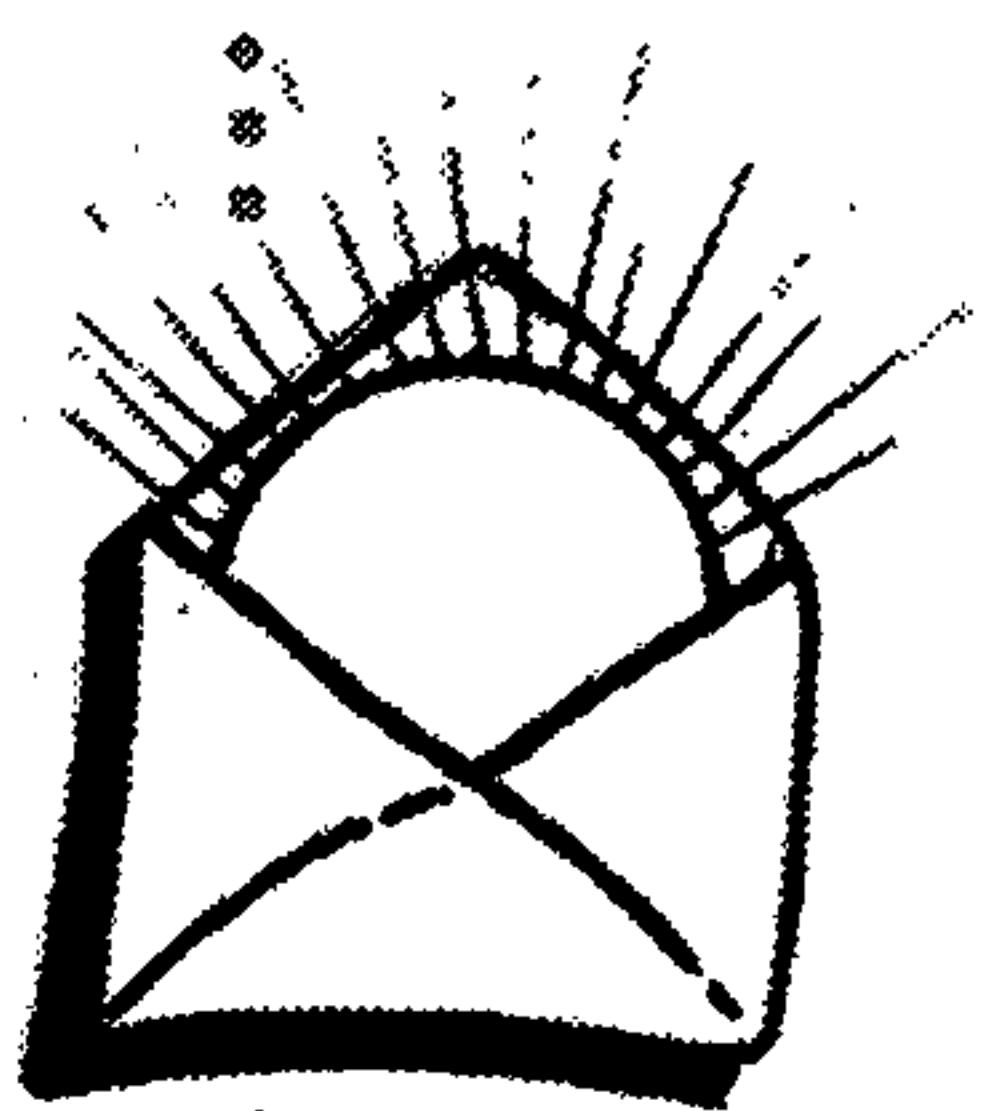
كلينى عن العدة عن البرقى عن أبيه عن محمد بن يحيى عن حماد بن عثمان
عن الصادق(ع) إذا قام الحجّة سار بسيرة أمير المؤمنين على(ع).

يعنى هنگامی که امام مهدى ظهور
کند دقیقاً مانند سیره أمیر المؤمنین (ع)
عمل خواهد کرد.

سند این روایت صحیح و هیچ شک و
شباهه‌ای در آن نیست؛ چرا که روایانش یکی از
دیگری بهترند و متن آن نیز موافق سیره
معصومین (ع) است.

مدلول این روایات آن است که چون امام

● اصولاً امام مهدى (عج) می‌آید که
عدالت را بیاورد و بساط جور و
جفا و ستم را برجیند. بنابراین،
امکان ندارد که بخواهد از راه ظلم
به عدل برسد و یا با ایجاد بدعت،
سفت جدش حضرت محمد (ص) و
امیر المؤمنین علی (ع) را زنده کند.



مهدی ظهور کند، عموم مردم، از خرد و کلان،
و پیر و جوان به او عشق می‌ورزند و از صمیم
قلب دوستش دارند. از رسول خدا(ص) نقل
است که فرمود:

شمارابه مهدی، مردی از قریش
بشارت می‌دهم که ساکنان
آسمان و زمین از خلافت و
فرمانروایی او خشنودند.»

همچنین از آن حضرت روایت شده است
که فرمود:

شمارابه مهدی(عج) بشارت می‌دهم که به سوی مردم برانگیخته می‌شود... و ساکنان
زمین و آسمان از او خشنود می‌گردند.^{۱۲}

نیز در روایتی دیگر از رسول خدا(ص) آمده است:

مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان او را دوست دارند.^{۱۳}

و از حضرت علی(ع) نیز نقل شده است که فرموده است:

چون مردی از فرزنداتم ظهور کند چنان گشایشی در کار مردم ایجاد می‌شود که حتی
مردگان به دیدار یکدیگر می‌روند و ظهورش را به هم مرژه می‌دهند.^{۱۴}

جمع روایات

در جمع بین روایات متعارض خود ائمه(ع) توصیه‌های لازم را فرموده‌اند. البته دو روایت
مخالف وقتی با هم در تعارض قرار می‌گیرند که شروط لازم را در باب تعارض داشته باشند؛ به
این صورت که اولاً، سند هر دو معتبر باشد؛ نه آن که یک طرف محمد بن علی الکوفی دروغ گو
باشد و طرف دیگر علی بن ابراهیم و محمدبن مسلم، که از تقاط و معتمدین ائمه(ع) هستند.

مقایسه بین این دو عقلاً و شرعاً جایز
نیست. پس ما در همین پله اول که بحث سند
باشد مشکل داریم؛ چرا که روایاتی که از
محمدبن علی کوفی نقل شده، امام زمان را
یک آدم کش معرفی می‌کند که در زمان او

● امام زمان(عج) نیز درباره
کافران هم همان سیره و همان
نرمی و لطفاً را به خرج خواهد
داد، که سیره رسول الله بود،
مسلمانان که جای خود دارند.

هرج و مرج خواهد بود، و فقهاء می‌گویند: حتی احکام شرعی، اگر باعث هرج و مرج شوند ساقط می‌گردند و دیگر واجب نخواهند بود، حال آیا امام زمان(عج) که خودشان صاحب این دین و احکام آن هستند، باعث هرج و مرج خواهند بود؟!

پس در همین مرحله اول، بحث تعارض منتفی است؛ چرا که یک آدم دروغ‌گو نمی‌تواند معارض بزرگان حدیث و ثقات باشد.

از این مرحله که بگذریم بر فرض صحت سند، نوبت به ملاحظه تراجیح بین دو روایت متعارض می‌رسد، در این مرحله، آن‌ها با روایات صحیح دیگر و سنت و سیره و کتاب (قرآن)، مقایسه می‌شوند و هر کدام موافق آن‌ها بود، معتبر است. از این جهت نیز روایاتی که تشابه سیره امام زمان(عج) با سیره امیرمؤمن(ع) و رسول خدا(ص) را بیان می‌کند دارای رجحان هستند؛ چرا که با سیره معصومین(ع) سازگار است و قرایین صدق بسیار دارد.

پس از این مرحله بر فرض آن که هر دو مطابق کتاب و سیره باشند و به اصطلاح متکافی باشند، نوبت به دلالت و ظهور می‌رسد، این که آیا هر دو روایت از لحاظ ظهور و دلالت با هم مساوی هستند یا نه.

در این مرحله اگر یکی از روایات متعارض، از لحاظ دلالت صریح‌تر بود، آن را بر می‌گزینیم. در صورتی که از لحاظ دلالت هم یکسان باشند، نوبت به تساقط می‌رسد و هر دو روایت از اعتبار می‌افتد؛ گویا اصلاً روایتی وارد نشده است. این مبنای فقهی در باب تعارض روایات است.

سیره امام زمان(عج) همان سیره رسول الله(ص)

بنابر آن چه گفته شد، سیره امام زمان(عج) دقیقاً همان سیره و روش رسول خدا(ص) است. حتی شمایل آن حضرت هم، مانند شمایل و سیمای نورانی پیامبر اکرم(ص) است؛ چنان که روایات بسیاری از شیعه و سنی و حتی تاریخ نگاران مسیحی آمده است که چهره رسول خدا(ص) به قدری جذاب بود که حتی دشمن‌ترین دشمنان آن حضرت، وقتی چشمش به چهره منور ایشان می‌افتداد به گونه‌ای مجدوب آن حضرت می‌شدند که تمام هم و غمshan را فراموش می‌کردند. چهره امام زمان(عج) نیز چنین است.

علاوه بر تاریخ و روایات، مهم‌ترین سندی که در خصوص سیره و سلوک رسول خدا(ص) در دست است، قرآن کریم می‌باشد. تابلویی که قرآن کریم از چهره رسول خدا(ص) ترسیم می‌کند چنین است:

﴿فِيمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ، وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظًا لِّلْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ

حولک ۱۵

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند.

و یا در جای دیگر می فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُ مِنْ أَنفُسِكُمْ، عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنْتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾

روعف رحیم. ۱۶

خدای متعال از میان شما، فردی را به رسالت فرستاد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او گران است و برای نجات و آسایش شما حرص می ورزد و خودخودی می کند و نسبت به مومنان بسی دل رحم و مهربان است.

شفقت و محبت رسول خدا(ص) نسبت به مردم به حدی بود که حتی عده‌ای همین مسئله را به وسیله‌ای برای آزار ایشان تبدیل کرده بودند:

﴿وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يَؤْذُنُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذْنُ قُلْ أَذْنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ ۱۷

از آن‌ها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: او آدم خوش باوری است! بگو: خوش باور بودن او به نفع شماست، (ولی بداینید) او به خدا ایمان دارد و تنها مومنان را تصدیق می کند و رحمت است برای کسانی که ایمان آورده‌اند. و آن‌ها که رسول خدا را آزار می دهند، عذاب دردناکی دارند.

در تفسیر این آیه آمده است که یکی از منافقان، رسول خدا(ص) را به سخره می گرفت، جبرئیل نازل شد و عرض کرد، یا رسول الله، فلان منافق را احضار کنید و از او بپرسید چرا این کارها را می کند.

این مورد یک استثنای بود و هیچ مورد دیگری پیدا نمی کنید که پیامبر کسی را به خاطر مسخره کردن خود بطلبد. این مورد هم بنا بر مصلحت بوده و پیامبر(ص) دستور داشته‌اند.

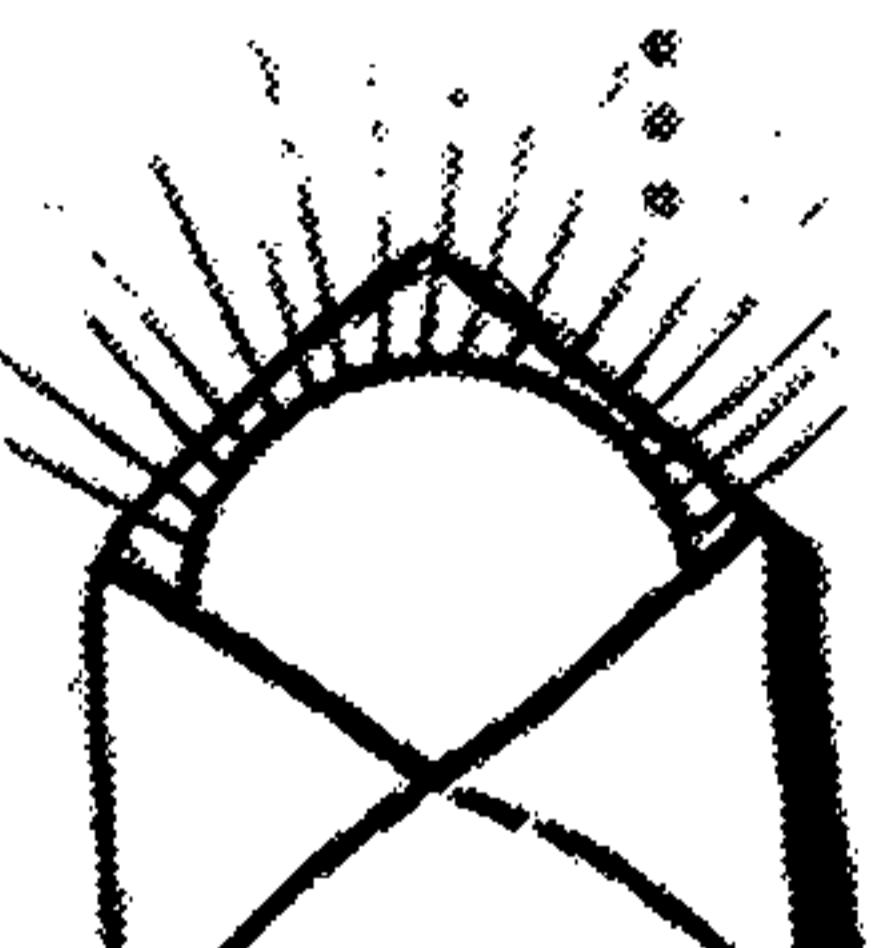
در همین قضیه پیامبر آن شخص را طلبید و از او توضیح خواست. او عرض کرد: یا رسول الله، هر کسی این حرف را زده دروغ گفته، من

● محال است که من از راه ستم

بخواهم به پیروزی دست پیدا

کنم و به وسیله جور در طلب

نصرت برآیم.



این منافق را که بر خلاف سخن خداوند و جبرئیل بود باور کند، اما پیامبر(ص) نخواست با او حتی ترش رویی کند.

این بار به میان مردم رفت و گفت عجب پیامبری است! جبرئیل از یک گوش به او می‌گوید من مسخره‌اش کرده‌ام، باور می‌کند، از گوش دیگر من می‌گویم چنین کاری نکرده‌ام باز باور می‌کند، این پیغمبر اذن است؛ یعنی هر سخنی که به او بگویند باور می‌کند.

خداوند در پاسخ به این یاوه سرایی‌ها، در قرآن فرموده است: «**قل أذن خير لكم**^{۱۸}»؛ این گوش (باور کردن حرف شما) برای شما خوب است و به نفع شماست.

این فعل و عمل رسول خداست و مهدی شبیه‌ترین مردم به رسول خداست.
پیامبر **﴿فِيمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ﴾**^{۱۹} است.

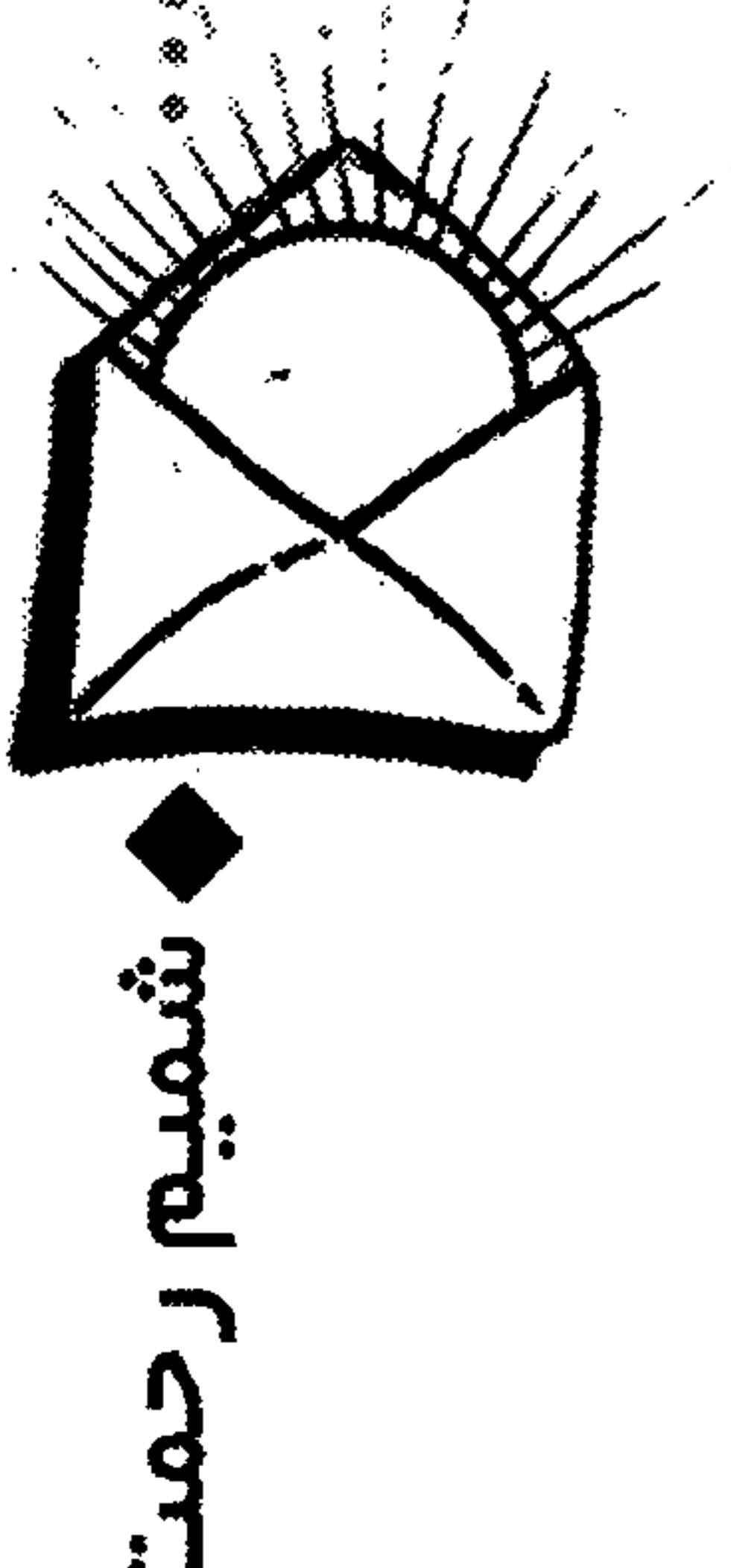
پس مهدی (عج) نیز چنین خواهد بود. او با کافران به نرمی رفتار خواهد کرد، چه رسد به مسلمانان.

اصولاً امام مهدی (عج) برای برقراری عدل می‌آید و عدالت یک خواسته طبیعی و فطری انسان‌هاست. بنابراین، امکان ندارد به گونه‌ای رفتار نماید که مردم آرزو کنند ای کاش او را نبینند و یا به خاطر بی‌رحمی‌هایی که انجام می‌دهد، بگویند او از آل محمد(ص) نیست و ارتباطی با اهل‌بیت پیامبر(ص) ندارد.

هم‌چنین وقتی حضرت علی (ع) می‌فرماید:

محال است که من از راه ستم بخواهم به پیروزی دست پیدا کنم و به وسیله جور در طلب نصرت برآیم.^{۲۰}

یقیناً امام مهدی (عج) نیز از همین روش پیروی خواهد کرد و امکان ندارد که از راه ستم بخواهد حکومت بر مردم را به دست گیرد.



پی نوشت ها

- مشکاة الانوار همگی از علمای بزرگ هستند. روضات الجنات، ج ۵، صص ۳۴۲ - ۳۴۹؛ طبقات اعلام الشیعه، قرن ۶، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۱۰. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۵۴.
 ۱۱. ینابیع المودة، ص ۴۳۱، اثبات الهدایة، ج ۲، ص ۵۲۴.
 ۱۲. جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.
 ۱۳. احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۳۶۳.
 ۱۴. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.
 ۱۵. آل عمران / ۵۹.
 ۱۶. توبه / ۱۲۸.
 ۱۷. همان / ۶۱.
 ۱۸. همان.
 ۱۹. آل عمران / ۱۵۹.
 ۲۰. نهج البلاغه.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۱۰۹، ص ۳۵۳.
۲. همان، ح ۱۱۲، ص ۳۵۳.
۳. الخرایج، ج ۳، ص ۱۵۵؛ غیبة الطوسي، ص ۴۵۹، ذکر طرف من العلامات الكائنة قبل الخروج.
۴. شیخ طوسي، الغيبة، ص ۴۵۹؛ الخرایج، ج ۳، ص ۱۵۵.
۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۱۱۲، ص ۳۵۳.
۶. آل عمران / ۱۵۹.
۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۱۸۷، ص ۳۷۹.
۸. همان، ح ۱۸۷، ص ۳۷۹.
۹. امین الدین امین الاسلام ابو علی فضل بن حسن بن فضل (۵۴۸ق) فقیه، محدث، مفسر و لغوی امامی معروف به شیخ طبرسی، از برجسته‌ترین علمای شیعه در قرن ششم هجری که خود و پسرش حسن بن فضل صاحب مکارم الاخلاق و نوه‌اش علی بن حسن صاحب

